کربلا؛ صحنه تبلور نهایت اسلام و امتداد آن با مقاومت یک زن

15 تیر 1404

در حادثه کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد، عامل این پیروزی، حضرت زینب بود.

در اندیشه اسلامی، هر مفهومی که در بستر دین شکوفا شود، به نهایت خویش می‌رسد؛ نهایت انسان بودن، نهایت بندگی، نهایت شجاعت، نهایت مردانگی و نهایت زنانگی.

اسلام به شکلی یکتا، معنا را تا قله می‌برد و همین قاعده در کربلا به وضوح دیده می‌شود؛ جایی که انسان، به کامل‌ترین شکل در نسبت با امام خود، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حضور می‌یابد. در این صحنه، حضرت زینب کبری سلام الله تجلی «نهایت حضور زن» است.

در کربلا، در ابتدای امر شمشیر وسیله‌ای برای کنار زدن باطل بود؛ اباعبدالله و یارانش این وظیفه را بر عهده گرفتند، و با شهادت به کار خود پایان دادند. اما اگر کسی بخواهد کربلا را در نهایت آن درک کند، باید بفهمد، که این حد نهایی با حضرت زینب تحقق یافت. از این رو کربلا به‌تنهایی با شهادت امام حسین (ع) به اوج نرسید و زینب سلام الله آن را کامل کرد.

او پس از عاشورا، قافله‌سالار شد؛ این مسئولیت، در سخت‌ترین شرایط روحی، نیازمند مدیریتی عمیق و عاطفه‌ای مهارشده بود. در لحظاتی که همه چشم‌انتظار فروپاشی روحی او بودند، زینب ایستاد و سخنرانی‌هایی کرد که تاریخ را تکان داد. لذا خون در کربلا بر شمشیر چیره شد. چه کسی خون را برنده این صحنه کرد؟ زینب سلام الله. عمل او، مفهومی تازه از پیروزی را معرفی کرد.

همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمود: «در حادثه کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد، عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والّا خون در کربلا تمام شد. حادثه نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامیِ ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعیِ دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ این حادثه نشان داد که زن در حاشیه تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد».

وقتی زنان ایستادند، تاریخ تغییر کرد

در جنگ‌ها معمولاً این باور وجود دارد که زنان زودتر از مردان دچار تزلزل روحی می‌شوند و از آن‌جا که تأثیرگذار بر دیگران هستند، این ضعف می‌تواند روحیه رزمندگان را تضعیف کند و دشمن را پیروز سازد. به همین دلیل دشمنان همواره تلاش کرده‌اند با فشار آوردن به زنان و کودکان، اراده مدافعان اسلام را بشکنند؛ وضعیتی که امروز در غزه و ایران شاهد آن هستیم و روزی نیز در کربلا اتفاق افتاد.

اما حقیقت آن است که همین مقاومت و پایداری زنانه است که دشمن را ناکام گذاشته است.

اگر زنان یک امت عزم خود را برای ایستادگی جزم کنند، هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابرشان بایستد. نمونه روشن این امر، حادثه کربلاست که پس از شهادت امام حسین (ع)، ادامه مسیر نهضت به دست حضرت زینب (س) و زنان قرار گرفت. ولایت امام به گونه‌ای نبود که هر کسی را همراه خود کند؛ او زنانی را برگزید که اهل فداکاری و ایثار بودند، زنانی که یاری دین خدا را بر منافع شخصی خود مقدم می‌شمردند تا در صفوف دفاع از حق حاضر شوند.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «زینب، آن کسی است که از لحظه شهادت امام حسین، این بار امانت را بر دوش گرفت و شجاعانه و با کمال اقتدار؛ آن‌چنان که شایسته دختر امیرالمؤمنین است، در این راه حرکت کرد. اینها توانستند اسلام را جاودانه کنند و دین مردم را حفظ نمایند. امام حسین، خواهرش زینب و اصحاب و دوستانش، با این حرکت، تاریخ را نجات دادند».

مقاومت قهرمانانه زنان عاشورایی به فرماندهی حضرت زینب، رسوا ساختن دشمن و روایتگری نور و ظلمت کربلا، مسئولیتی بود که این بانوان بر دوش گرفتند. روش آنان کاملاً زنانه بود؛ آنها با زندگی زنانه، نگاه زنانه به وقایع و حتی گریه زنانه، از دفن شدن پیام عاشورا در دل خاک کربلا جلوگیری کردند. پیامی که از سال ۶۱ هجری تا امروز تاریخ را درنوردیده و از لحظه تولد در آغوش مادران، نام حسین را بر قلب شیعیان حک کرده است.

ما رأیت الا جمیلا؛ آغاز راه زن مسلمان

زینب سلام‌الله اجازه نداد این واقعه با شکست ظاهری به پایان برسد. او درک کرد که «تاریخی» گشوده شده، و معنای «ما رأیت الا جمیلا» را با تمام وجود فهمید. زن امروز نیز، با صبر، با جهاد، با مبارزه، می‌تواند تاریخی بسازد که معنا و امید را به آینده متصل می‌کند. چرا؟ چون زینب پس از شهادت امام حسین علیه السلام از آینده ناامید نشد و همه چیز را تمام شده ندانست. این زن می‌داند که وعده خدا حق است و پایان تاریخ به دست مظلومین جهان محقق می‌شود. به همین دلیل ناامیدی را به دل راه نمی‌دهد و تا نهایت تاریخ از ایستادن دست نمی‌کشد. او در اوج مصیبت، با نگاهی مادرانه، آینده را می‌بیند. برای او شکست ظاهری، شکست واقعی نیست. این همان روح مادرانه‌ای است که پیوسته چشم به افق دارد.

زن مسلمان امروز نیز تحت تأثیر انقلاب اسلامی و عمق زیبایی اسلام، فهمیده است که در ادامه راه

چگونه باید عمل کند. زینب، تجلی همین نگاه بود: امید، جسارت، پایداری، بدون ذره‌ای تردید یا ضعف. زن مسلمان با پشتوانه قرآن و فرهنگ اهل‌بیت، می‌داند که در این نگاه شکست بی‌معناست؛ همان‌گونه که برای زینب چنین بود. راز این روحیه در زن مسلمان، در همان حس حیات و امید به آینده نهفته است.

زن ایرانی مسلمان نه فقط یک مخاطب یا همراه انقلاب، بلکه عامل اصلی یک دگرگونی تمدنی است. از همین‌رو، پرداختن به جایگاه زن، نه پرداخت به حاشیه، بلکه ورود به متن انقلاب اسلامی است. زن انقلاب اسلامی نیرویی است که با بیداری خود، هم در نسبت با هویت خویش دگرگون می‌شود و هم در نسبت با جامعه و تاریخ، نقشی سازنده و بی‌بدیل می‌یابد.

امروز زن مسلمان، با الهام از روحیه و عزت نفس حضرت زینب (س)، بیش از هر زمان دیگری توانمند و مسئولیت‌پذیر است. او نه فقط حافظ ارزش‌های دینی و فرهنگی، بلکه نیروی پیشران تحولات اجتماعی و فرهنگی است که می‌تواند مسیر آینده را رقم بزند.

هر گام زن در مسیر علم، هنر، تربیت، سیاست و مقاومت، برگ دیگری از دفتر افتخارات این امت است. پس اینک زمان آن است که زنان، با باور به ظرفیت‌های درونی خود و با همبستگی، در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر، نقش فعال و بی‌بدیلی ایفا کنند؛ چرا که هر قدم زن امروز، نه تنها سرنوشت خویش، بلکه سرنوشت ملت را به سمت پیشرفت و عزت سوق می‌دهد.